

پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی

الهام حیدرزاده^۱

سجاد مظفری‌زاده

چکیده

جرایم علیه محیط زیست به اقداماتی اطلاق می‌شود که تحت شرایطی خاص، به آلودگی یا از بین رفتن و یا آسیب به مظاهر محیط زیست منتج می‌شود. اهمیت پیشگیری از این جرایم از این جهت است که با سلامتی «انسان»ها به صورت مستقیم ارتباط دارد. اغلب کشورها رژیم جزایی خاصی را در این مورد به اجرا می‌گذارند؛ بدین جهت این مهم به‌عنوان موضوعی ویژه در شکل‌دهی به سیاست جنایی تقنینی در مورد حفاظت از محیط زیست قابل مطالعه و بررسی است. هر انسان اندیشمندی با درک این تهدیدات پی خواهد برد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: «پیشگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست». بدیهی است با توجه به این که هدف اصلی ما سالم ماندن محیط زیست می‌باشد، اگر ابتدا محیط آلوده شود و سپس به فکر مقابله با آن برآییم، به منظور خویش نائل نخواهیم شد. «سزار بکاریا» حقوق‌دان معروف ایتالیایی، معتقد است پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرایم پیشنهاد می‌کند که نخست قوانین باید روشن و ساده باشند و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود، دوّم مردم آموزش داده شوند و سوّم پرهیزکاران پاداش داده شوند. برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی شیوه‌های مختلفی اعم از کیفری و غیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این میان کارشناسان محیط زیست نیز راه‌هایی را به‌عنوان شیوه‌های غیرکیفری و پیشگیری از آسیب به محیط زیست معرفی می‌نمایند که موضوع بررسی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

محیط‌زیست، پیشگیری، جرم، منابع آبی.

۱. فوق لیسانس حقوق محیط زیست، مدرس دانشگاه (نویسنده مسؤول)

پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی

سیاست جنایی به تعبیری، مجموعه تدابیری است که هیأت اجتماع در رویارویی با پدیده بزهکاری اعم از پیشگیری یا سزادهی و پاسخ، اتخاذ می‌نماید از این رو سیاست جنایی تقنینی خود شاخه‌ای از سیاست جنایی است. در این زمینه هم سیاست جنایی تقنینی مفهومی اخص از سیاست جنایی است، وهم منابع آبرزی مفهومی اخص از محیط زیست و جزو زیرمجموعه‌ها و یکی از عناصر محیط زیست می‌باشد.

در اغلب کشورهای جهان رژیم جزایی خاصی را در مورد حفاظت از منابع آبرزی به اجرا می‌گذارند؛ بدین جهت این مهم به‌عنوان موضوعی ویژه و خاص و در گونه‌های مختلف آن به‌ویژه در شکل دهی به سیاست جنایی تقنینی و گفتمان قانونگذار و اسناد بین‌المللی در مورد حفاظت از محیط زیست و تحولات اجتماعی و جامعوی و نهادهای مجری مجازات و سایر موارد قابل مطالعه و بررسی است. البته نگاه این نوشتار تأکید بر جنبه‌های پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در نظام حقوقی داخلی است. جدید بودن موضوع سیاست جنایی در کشور ایران و نیز تحولات گسترده کنش‌ها و واکنش‌های جامعه در قبال حفاظت از منابع آبرزی از یک سو و از دیگر سو تحولاتی که در پرتو سیاست جنایی تقنینی به‌وجود آمده و از طرف دیگر اهمیت حفاظت از منابع آبرزی برای حیات انسانی و داشتن ضمانت اجرای کیفی مناسب در این خصوص امری است که پرداختن به چنین تحقیقی را پراهمیت و ضروری می‌نمایاند.

الف - تاریخچه حقوق داخلی محیط زیست

حقوق محیط زیست یکی از جوان‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است. اهمیت این رشته بیشتر از این جهت است که با حیات و سلامتی «انسان» به‌صورت مستقیم در ارتباط است.

همان‌گونه که حقوق محیط زیست از نظر بین‌المللی قدمت زیادی ندارد، در ایران نیز آن‌چه ساختمان و بنای حقوق محیط زیست را تشکیل می‌دهد، سابقه چندانی ندارد. در سال ۱۳۳۵ قانون شکار متشکل از یک وزیر، رئیس ستاد مشترک ارتش و ۶ نفر متخصص در اجرای قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴ به منظور حفاظت نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات آن تأسیس گردید (قوام، ۱۳۷۵). در طی دهه‌های اخیر قوانین و آیین‌نامه‌های مختلفی در حوزه‌های گوناگون مسائل زیست‌محیطی به تصویب مراجع مربوطه رسیده و به مورد اجرا گذارده شده است.

نظر به اهمیت مسائل مربوط به محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و انهدام مظاهر آن، تحول مهمی که صورت گرفته است و به پس از انقلاب اسلامی ایران مربوط می‌شود، این است که مسأله حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی وارد شده و یک اصل از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. طبق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازم پیدا کند ممنوع است». هم‌چنین اصول دیگری نیز وجود دارند که به نوعی مظاهر و نمودهای محیط زیست را مورد اشاره قرار داده و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها را تعیین نموده است. از جمله این‌ها اصل ۴۵ قانون اساسی می‌باشد که مقرر می‌دارد: «اموال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق

مصالح عام نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفضیل و تربیت استفاده از هریک را قانون معین می‌کند» (قوام، ۱۳۷۵).

ب - ضرورت حمایت از محیط زیست

زمانی که بشر همانند سایر موجودات و به‌عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره حیات فقط به تغذیه و تولید و گذارندن زندگی اشتغال داشت، خود نیز جزئی از طبیعت محسوب می‌گردید.

انسان خود چیزی به طبیعت نمی‌افزود، بلکه فقط همپای سایر جانداران برداشتی ناچیز می‌کرد و این کمترین لطمه‌ای به عظمت طبیعت متعادل وارد نمی‌ساخت. چرا که قدرت ترمیم و بارآوری زمین بیش از آن بود که اقدامات محدود و فعالیت‌های ناچیز خطری جدی برای آن محسوب شود. از بین رفتن و تخریب جنگل‌ها، تخریب زیستگاه‌های حیات وحش، انهدام مراتع، خشکانیدن تالاب‌ها و آب‌بندها، کاهش جمعیت پرندگان، صید بی‌رویه ماهیان، آلودگی‌های میکروبی و شیمیایی آب‌های ساحلی دریای خزر، آلودگی نفتی خلیج فارس، آلودگی‌های صنعتی و شهری در رودخانه‌ها و آب‌های ساحلی، از جمله مشکلات جدی محیط زیست کشور ایران است.

هر انسان عاقل و اندیشمندی با درک این خطرات حس خواهد کرد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: «جلوگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست» (قوام، ۱۳۷۵).

ج - پیشگیری و شیوه‌های غیرکیفری حمایت از محیط زیست

معروف است که پیشگیری قبل از ابتلا، بهترین درمان است. بدیهی است با توجه به این که هدف اصلی ما سالم ماندن محیط زیست و جلوگیری از انواع آلودگی‌ها

و انهدام مظاهر محیط زیست می‌باشد، اگر ابتدا محیط آلوده شود و سپس ما به فکر مقابله با آن برآییم، به‌منظور خویش نخواهیم رسید. چرا که مثلاً وقتی زیستگاه منابع آبی از جمله ماهیان و دیگر موجودات آبی را تخریب و آلوده یا به صید بی‌رویه آن‌ها مبادرت می‌ورزیم، دیگر کاری نمی‌توان کرد و هرگونه برخورد با متخلفین حتی کیفر دادن سنگین آن‌ها، هرگز وضعیت محیط و موقعیت آبریان را به وضعیت پیشین باز نخواهد گردانید.

بنابراین باید به دنبال مکانیزم‌ها و روش‌هایی بود که متضمن پیشگیری و جلوگیری از انهدام و آلودگی محیط زیست این منابع (آبریان) باشد هرگونه تلاش و سرمایه‌گذاری در این بخش است که می‌تواند ما را بیش از پیش به هدف و مقصود اصلی خویش یعنی ایجاد یک محیط زندگی سالم همراه با نشاط و شادابی برای تمام انسان‌ها و موجودات کره‌ی زمین برساند.

با توجه به این که در قوانین اغلب کشورها، انهدام و آلودن محیط زیست جرم محسوب می‌گردد سیاست فوق بیش از پیش مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. به‌جای این که ما بگذاریم افراد با انهدام یا آلودن محیط زیست مرتکب جرم شده و آن‌ها را مجازات کنیم، بهتر است توجه اصلی خویش را مصروف پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست نموده و ضمن این که افراد جامعه را از مجازات‌های مقرر مصون می‌داریم، از همان ابتدا محیط زیست را سالم نگهداشته و از تخریب و آلودن آن جلوگیری کنیم.

«سزار بکاریا» حقوقدان معروف ایتالیایی نیز معتقد است پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرایم پیشنهاد می‌کند که نخست قوانین باید روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود، دوم مردم آموزش داده شوند و سوم پرهیزکاران پاداش داده شوند (بکاریا، ۱۳۷۷).

- برای پیشگیری و نیز حفاظت از محیط زیست، شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کارشناسان محیط زیست راه‌های ذیل را به‌عنوان شیوه‌های غیرکیفری و پیشگیری از آلودگی و انهدام مظاهر محیط زیست معرفی می‌نمایند.
۱. بالا بودن سطح آگاهی و اطلاعات عموم نسبت به خطرات ناشی از تخریب محیط زیست و رعایت توصیه‌های لازم که از سوی دست‌اندرکاران ذی‌ربط اعلام می‌شود.
 ۲. آگاه کردن مردم نسبت به اهمیت محیط زیست، جنگل‌ها و مراتع و منابع آبی و این که محیط زیست میراث مشترک انسان‌ها می‌باشد.
 ۳. ارائه توصیه‌ها و راه‌حل‌های لازم در جهت به‌کارگیری روش‌ها و جلوگیری از آلودگی و یا به حداقل رسانیدن آن‌ها به کارخانجات برای جلوگیری از خطرات ناشی از فعالیت‌های مضر علیه منابع آبی محیط زیست.
 ۴. جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرها که همواره با تخریب محیط زیست (آلودگی رودخانه‌ها و نابودی منابع آبی) همراه است.
 ۵. معدوم کردن مواد زائد کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به شیوه‌های صحیح و علمی.
 ۶. جلوگیری از ورود پساب کارخانجات و فاضلاب‌های شهری و صنعتی به آب‌ها (رودخانه‌ها).
 ۷. ندادن مجوز تأسیس به کارخانجات و کارگاه‌هایی که ضوابط مربوط به رعایت بهداشت و مسائل زیست‌محیطی را در ساختن و تعبیر دستگاه‌های مورد نیاز خود رعایت نکرده‌اند (قوام، ۱۳۷۵).
 ۸. افزایش آگاهی‌های عمومی از تنوع زیستی و تقویت نقش مشارکت مردمی.
 ۹. ایجاد نظام‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی، تنوع زیستی (علی‌الخصوص منابع آبی).
 ۱۰. بهره‌برداری پایدار از منابع آبی.
 ۱۱. ایجاد مدیریت نظام‌مند حفاظت از منابع آبی (تنوع زیستی).

د - شیوه‌های کیفری حمایت از محیط زیست

۱. نقش حقوق جزا در جامعه

تمامی شاخه‌های حقوقی از جمله حقوق جزا به‌عنوان فرایندی برای نیل به کنترل اجتماعی ابداع شده‌اند. هدف آن‌ها کنترل و تنظیم رفتار و فعالیت‌های افراد در جامعه است. اما حقوق جزا با سایر رشته‌های حقوقی تفاوت دارد. این تفاوت بدین ترتیب است که حقوق جزا علیه کسانی که (دستورات) آن را نقض می‌نماید از «مجازات‌های خفت‌بار» استفاده می‌کند.

با توجه به این که مجازات‌های تزدیلی و ترهیبی فقط در حقوق جزا به کار رفته و در سایر رشته‌های حقوقی از مجازات‌ها و مکانیزم‌های دیگر استفاده می‌شود، ایجاب می‌نماید که استفاده از حقوق جزا محدود به مواردی شود که اهمیت زیادی برای جامعه دارد و یا این که استفاده از سایر حوزه‌های حقوقی و اداری در آن مورد، مفید و مؤثر نباشد.

بنابراین در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست اگر بتوان برای کنترل رفتار افراد جامعه از حقوق اداری و یا سایر رشته‌های ملایم حقوقی استفاده کرده و آن‌ها را تنظیم نمود، در این صورت نه تنها استفاده از حقوق جزا صحیح نمی‌باشد، بلکه چه بسا در موارد زیادی مضر و خطرناک نیز می‌باشد. در واقع حقوق جزا به‌عنوان آخرین حد به خشن‌ترین ابزار کنترلی می‌تواند به کار گرفته شود.

۲. بررسی ضرورت حمایت جزایی از محیط زیست

سؤال این است که آیا ضرورت دارد برای حمایت از محیط زیست از ابزار حقوق جزا و مجازات استفاده نماییم یا خیر؟ و آیا برای حمایت از محیط زیست می‌توان تنها از سایر حوزه‌ها و رشته‌های حقوقی همانند حقوق اداری یا مدنی استفاده نمود، بدون این که نیازی به به کارگیری حقوق جزا باشد؟

دولت‌ها هر وقت با یک پدیده خطرناک مواجه می‌شوند، نگران می‌گردند و معمولاً برای مقابله با آن به وضع قوانین کیفری متوسل می‌شوند و غالباً تصور می‌کنند که با وضع قوانین جدید کیفری، مشکل حل خواهد شد. وضع قوانین کیفری در طی دو یا سه دهه گذشته به منظور حفاظت محیط زیست نمونه بارزی از این طرز تفکر به‌شمار می‌رود. ولی از آن موقع تاکنون این فرصت وجود داشته که بتوان مناسب‌ترین و مؤثرترین طریق برای حفاظت محیط زیست را تشخیص داد.

برخی معتقدند هرچند قوانین کیفری در حفاظت محیط زیست نقشی را ایفا می‌کند ولی از آنجایی که در این زمینه مشکل اساسی عبارت است از تنظیم قانونی فعالیت‌های مؤسسات تولیدی نسبتاً بزرگ، لذا مؤثرترین وسیله برای نیل به این منظور تعیین معیارهای دقیق مربوط به پخش و نشر مواد آلوده‌کننده و نیز معیارهای مشخصات و به کار بردن این معیارها از طریق مقررات اداری می‌باشد. قوانین کیفری نقش محدودی را در این زمینه ایفا می‌کنند و همین نقش محدود را هم توأم با اجرای مقررات اداری ایفا می‌نمایند (ریوچی، ۱۳۵۸).

به هر حال این سؤال اساسی وجود دارد که چه نوع حقوقی برای حمایت از محیط زیست مناسب است؟ برخی معتقدند حقوق جزا، زیرا این حقوق عمده‌ترین وسیله حمایت مؤثر از ارزش‌های اساسی، اجتماعی است و اثر ترذیلی دارد. جامعه برای ایجاد محیط سالم به منظور زندگی پاکیزه، ارزش‌های زیادی قائل است و برای نشان دادن همین اهمیت حقوق جزا علیه کسانی که بر ضد محیط زیست فعالیت می‌کنند، استفاده می‌کند. و در مقابل برخی دیگر از حقوق‌دانان نظر مثبتی نسبت به این که تنها وسیله حمایت از محیط زیست، حقوق جزا باشد، ندارند و معتقدند که حقوق جزا در موارد ذیل مطرح است:

اعمال ارادی و با سبق تصمیم، رفتار عمدی و از روی بی احتیاطی، رفتار خصوصی و خسارت واقعی و عملی به قربانی. در حالی که در خسارت وارد کردن

به محیط زیست اعمال جمعی و بی‌احتیاطی و مسامحه بعضاً مطرح است. علاوه بر این در خسارت زدن به محیط زیست، صدمه به کل جامعه می‌خورد به جای این که به فرد مخصوصی وارد شود. به این دلایل اینان معتقد هستند که بهتر است از حقوق اداری در جهت حمایت از محیط زیست استفاده شود با این حال در مورد حالتی که حملات و تهاجمات عمدی نسبت به تمامیت محیط زیست وجود دارد، شایسته است که از حقوق جزا استفاده شود (قوام، ۱۳۷۵).

هـ- راه‌های پاسخ به جرایم زیست‌محیطی

هر کشوری در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست خود مسئول است. اما حفاظت از محیط زیست به‌طور حتم نمی‌تواند محدود به دورن سرزمین‌ها و مرزها باشد و جلوگیری از آلودگی محیط زیست و حل مشکلات مربوط به آن نیازمند همکاری مشترک ملت‌ها و دولت‌های مختلف است.

آنگاه که نتایج زیان بار اقدامات یک دولت بر محیط زیست از مرزهای ملی و حتی منطقه نیز فراتر می‌رود و به جایی می‌رسد که تمامی دولت‌های جهان و جامعه بین‌المللی را به دلیل تأثیرگذاری بر محیط زیست جهانی دربر می‌گیرد، در این مرحله نگرانی از آسیب‌های زیست محیطی با منافع یک یا چند دولت ارتباط ندارد. در این جاست که مشخص می‌شود حفاظت از محیط زیست فراتر از صلاحیت یک دولت است و نیازمند همکاری گسترده جهانی است (حبیبی، ۱۳۷۶).

بنابراین، برای پاسخ دادن به آلودگی‌های زیست‌محیطی (از جمله منابع آبی)، باید همکاری و مشارکت همگانی وجود داشته باشد تا بتوان به بحران کنونی که در عرصه محیط زیست پدید آمده است، چیره شد. مهم‌ترین راه‌هایی که برای چنین حمایت گسترده‌ای وجود دارد عبارتند از: اقدامات مردمی، اقدامات بخش‌ها و مراکز صنعتی خصوصی و اقدامات دولتی.

۱. **اقدامات مردمی:** یکی از بهترین و آسان‌ترین راه‌های حمایت از محیط زیست منابع آبی آن است که مردم در این راه وارد شوند. تحریک انگیزه‌های مردمی برای رسیدن به این مقصود بسیار مفید و سودمند است. زیرا وقتی مردم آگاه شوند که استمرار حیات آنها بستگی به وجود محیط زیست سالم دارد. آنگاه انگیزه‌های قوی در آنها ایجاد خواهد شد، تا با همه امکانات و توان خویش در این راه قدم بردارند (قاسمی، ۱۳۸۴). این موضوع سود دولت‌ها را نیز دربر دارد. زیرا بدون تردید اجرای برنامه‌های حمایتی هزینه‌های مالی فراوانی نیاز دارد، که ممکن است به دلیل وجود مشکلات اقتصادی آنها را از این مسأله باز دارد.

در ماده ۳۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا آمده است: «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی، آموزش و قوانین و مقررات و مسایل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا گذارد.» بنابراین، ایران تحت تأثیر مقررات بین‌المللی به امر آموزش همگانی در زمینه محیط زیست مبادرت کرده است (بحرینی و مبرقی، ۱۳۷۶).

۲. **اقدامات صنایع خصوصی:** مراکز تولیدی و صنعتی در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، قدم‌های مؤثری را در راستای بهسازی محیط زیست و کاهش آلودگی برداشته‌اند.

اگر این اقدامات گسترش یابد، با توجه به این که شرایط زیست محیطی دارای ویژگی بین‌المللی است و فراتر از محدوده جغرافیایی یک کشور است، پاسخ مفید و مؤثری می‌تواند برای جرایم زیست محیطی باشد.

۳. **اقدامات دولت‌ها:** در کنار اقدامات مؤثر مردمی و صنایع خصوصی که می‌توانند نقش چشمگیری برای حفاظت از محیط زیست ملی (و بین‌المللی) داشته باشند، نباید از تأثیر گسترده دولت‌ها در دستیابی به این هدف غافل شد. دولت‌ها

و مسؤولان حکومتی می‌توانند از راه آموزش دادن مردم، تصویب قوانین و مقررات و اجرای آنها، به رویارویی جدی با آلودگی‌های محیط زیست بپردازند، و نیز از راه همکاری با سایر دولت‌ها، ارائه این پاسخ‌ها را در عرصه بین‌المللی و جهانی گسترش دهند و خود نیز مرتکب انهدام و ویرانی محیط زیست نشوند (قاسمی، ۱۳۸۴). دولت ایران برای آن که طبق مقررات بین‌المللی همکاری خود را برای حمایت جهانی از محیط زیست (به‌ویژه منابع آبی) اعلام کند، به کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی در این زمینه ملحق شده است و به عضویت سازمان‌ها و مراکز در این سطح نیز، درآمده است. پاره‌ای از این موارد عبارتند از:

۱. عضویت در دفتر بین‌المللی تحقیقات پرندگان آبی در سال ۱۳۴۷؛
۲. عضویت در برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) در سال ۱۳۵۱؛
۳. عضویت در اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی در سال ۱۳۵۲؛
۴. الحاق به کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی به‌ویژه از نظر زیستگاه پرندگان آبی (رامسر) در سال ۱۳۵۴؛
۵. الحاق به کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض نابودی (سایتیس) در سال ۱۳۵۵؛
۶. عضویت در شورای بین‌المللی حفاظت از پرندگان در سال ۱۳۵۵.

و - مراحل پاسخ به جرایم

پاسخ به آلودگی‌های زیستگاه محیطی گسترده‌تر از واکنش در برابر آن است به عبارت دیگر، پاسخ هم شامل مرحله پیش از وقوع جرایم علیه محیط زیست است و هم مرحله پس از آن را دربر می‌گیرد.

۱. **مرحله اول پاسخ:** پیشگیری از وقوع آلودگی و جرم زیست محیطی مرحله نخست پاسخ است که در برابر تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیشگیری تعابیر مختلفی دارد و بر مبنای اینکه در چه موضوعی به کار گرفته شود، معنای پیشگیری متفاوتی خواهد داشت، اگرچه نفس پیشگیری در هر زمینه‌ای که باشد، به عنوان مانعی برای بروز آفت و مشکل مورد نظر خواهد بود. مانند آن که گفته شده است، پیشگیری مهم‌تر از درمان است (ورنیه، ۱۳۷۳). سزار بکاریا اندیشمند معروف ایتالیایی قرن هجدهم درباره پیشگیری از نگاه حقوق کیفری می‌گوید: «پیشگیری از وقوع جرایم بهتر از کیفر دادن است.» (بکاریا، ۱۳۷۷).

وی معتقد بود که، هدف اساسی قانونگذاری درست که بخواهد انسان‌ها را به سمت بیشترین خوشبختی و یا کمترین بدبختی راهنمایی کند، همین موضوع است. این سخن گویای اهمیت فراوان پیشگیری از وقوع جرم در نزد او می‌باشد. این موضوع، یعنی پیشگیری از جرم آلودگی و تخریب محیط زیست، در مقررات اجرایی ایران نیز مطرح شده است. برای نمونه می‌توان از ردیف ۸ بند ۱۰ قانون برنامه پنج ساله دوم تحت عنوان حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور نام برد. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف بر اساس ردیف یاد شده چنین است: «حفظ و احیای منابع طبیعی تجدیدشونده، حفظ گونه‌های گیاهی کمیاب، جلوگیری از آلودگی‌های سطحی و زیر زمینی و محیط زیست دریایی، جلوگیری از تخریب و انهدام زیستگاه‌های حیات وحش کشور و غیره».

هم‌چنین، می‌توان موارد دیگری را نیز نام برد ردیف دال بند الف ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی بندهای ب، ج، د ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت. برای ارائه پاسخ پیشگیرانه به آلودگی محیط زیست، از راه‌های مختلف می‌توان اقدام نمود مانند استفاده از مشارکت عمومی، که موضوع اصل دهم کنوانسیون محیط زیست و توسعه است. بدون شک اگر بخواهیم در یک گسترده فراگیر و مؤثر زمینه‌های پیدایش آلودگی محیط زیست را چه در عرصه داخلی و

چه بین‌المللی از بین ببریم، باید از تمامی اعضای جامعه کمک بگیریم. این برنامه همان اقدامی است که از آن به نام «سیاست جنایی مشارکتی» (لارژ، ۱۳۷۵). یاد شده است و ملل متحد نیز برای برطرف کردن مشکلات بین‌المللی مانند بحران زیست‌محیطی، به این روش متوسل شده است (فتح‌اللهی، ۱۳۷۷). یکی از راه‌هایی که می‌توان برای رسیدن به پاسخ پیشگیرانه مورد نظر از آن بهره برد، ایجاد محدودیت و ممنوعیت صدور پروانه عادی شکار و صید به منظور پیشگیری از آسیب رسیدن به محیط زیست است. بر مبنای بند «و» ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی^۱ محیط زیست برقراری هرگونه محدودیت و ممنوعیت موقتی زمانی (فصل و ساعت‌ها)، مکانی (پارک ملی، منطقه حفاظت شده و قرق اختصاصی)، نوعی (حیوانات حمایت شده)، طریقی (انواع اسلحه و مهمات و راه‌ها و وسایل)، و نیز براساس مصوبات شورای عالی حفاظت محیط زیست، کمی و کیفی، صید و شکار جانوران وحشی حمایت شده با پروانه عادی و یا محدود بدون شکار و صید به تعداد معینی و یا ممنوع بودن زنده‌گیری برخی پرندگان به هر حالت)، از جمله وظایف و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست، و مواردی دایمی آن مربوط به شورای عالی حفاظت محیط زیست است (شاحدر، ۱۳۷۲).

بنابراین سازمان و شورای یاد شده هرگاه تشخیص دهند که محیط زیست در معرض خطر قرار دارد، می‌توانند با استفاده از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست بپردازند و مانع از ورود خسارت شوند. از این رو پیش از آن که آلودگی محیط زیست پدید آید و جرم یا جرایمی علیه محیط زیست واقع شود، با استناد به این ماده می‌توان اقدام پیشگیرانه را به مورد اجرا گذاشت. به عبارت دیگر، پاسخ پیشگیرانه به آلودگی محیط زیست و جرایم علیه آن داد.

۲. **مرحله دوم پاسخ:** این مرحله از پاسخ فراتر از زمانی است که اقدامات پیشگیرانه صورت می‌گیرد، زیرا آنگاه که پاسخ‌های پیشگیرانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور آن است که تخریب زیان‌آور در محیط زیست (جرم) پدید نیاید، اما این بخشی از پاسخ‌های مربوط به وقتی است که جرم واقع شده است و باید نسبت به رفع و جبران آن اقدان کرد و نیز کوشش کرد تا شخص که مرتکب جرم زیست‌محیطی شده است، از طریق تحمل این پاسخ‌ها متوجه نادرستی عمل خود شود و سعی کند که در آینده دگر بار اقدام به آلودگی محیط زیست و ارتکاب جرم علیه آن نکند. پاسخ‌ها در این مرحله می‌توانند کیفی، مدنی و اداری باشند. استفاده از هریک از این پاسخ‌ها نشانگر شکل خاصی از حمایت زیست‌محیطی است و در کنار یکدیگر می‌توانند حمایت جامع و گسترده‌ای از محیط زیست را نیز، ارائه دهند.

ز - ماهیت پاسخ به جرایم زیست‌محیطی

بدون تردید دانستن این موضوع که جهان کنونی در یک بحران خطرناک زیست‌محیطی واقع شده است نمی‌تواند گره‌گشا باشد. یعنی باید برای کنترل و کاهش این زیان‌های وارده به محیط زیست تلاش گسترده و جدی به عمل آورد. از یک سو پاسخ‌های پیشگیرانه را به مورد اجرا گذارد و از وقوع جرایم جدید جلوگیری کرد. در سوی دیگر، به ارائه پاسخ‌های مناسب و مؤثر حمایتی به‌ویژه در بعد کیفی پرداخت.

۱. **ارائه پاسخ کیفی:** بدون شک، برای آن‌که بتوانیم از محیط زیست به خوبی حمایت کنیم نباید تنها به ابزارهای کیفی پناه ببریم و با برخورداری از آنها به سودمندی ضمانت اجراهای دیگر (مدنی و اداری) توجه نکنیم و خود را از آنها بی‌نیاز بدانیم. اما از آن‌جا که در بسیاری از موارد، کاربرد و تأثیر ضمانت

اجراهای کیفری، بیش از مدنی و اداری است (شامبیاتی، ۱۳۷۱). و در مواردی نیز دوام برخی از ارکان جامعه مانند نظم، امنیت، و آسایش بستگی زیادی به وجود و اعمال آنها دارد (صانعی، ۱۳۷۱).

در مورد محیط زیست نیز، که باید مورد حمایت جدی قرار گیرد، زیرا به خطر افتادن آن، به معنای تهدید شدن حتمی حیات موجودات زنده و دیگر بقای طبیعت است، باید از این مجازات‌ها استفاده کرد. هم‌چنین، ویژگی‌های کیفر (ترهیبی بودن، تزدیلی بودن، ارعابی بودن) موجب خواهد شد که بسیاری از اشخاص به آسانی خود را برای ارتکاب جرم علیه محیط زیست آماده نکنند. و یا محیط زیست در نزد آنها آن قدر کم اهمیت جلوه نکند، که با بی‌توجهی و سهل‌انگاری خود موجبات آلوده شده آن را فراهم کنند. برای نمونه کسی که با ریختن مواد سمی به آب‌ها آنها را آلوده می‌کند و موجبات مرگ و یا بیماری موجودات زنده (منابع آبی) را فراهم می‌نماید، باید مجازات شود (قاسمی، ۱۳۸۴). بنابراین، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد که برای حمایت فراگیر از محیط زیست باید ابزارهای کیفری (مناسب و مؤثر) را به خدمت گرفت. به عبارت دیگر برای آن که بتوانیم از محیط زیست در برابر جرایم به خوبی حمایت کنیم و موفق به کنترل و کاهش اقدامات آلاینده زیست محیطی شویم، باید حمایت جزایی را مدنظر قرار دهیم.

۲. پاسخ‌های کیفری: از آن‌جا که می‌توان گفت مجازات عکس‌العملی است که اجتماع در مقابل جرم واقع شده و مجرم از خود نشان می‌دهد (شامبیاتی، ۱۳۷۱). از این‌رو این مرحله از پاسخ‌درب‌گیرنده واکنش جامعه است. به این ترتیب، مجازات زیست محیطی پاسخ و عکس‌العملی است که جامعه در برابر جرایم زیست محیطی از خود نشان می‌دهد و به این وسیله سعی می‌کند تا از محیط زیست خود در مقابل جرایم و مجرمین حمایت کند (قاسمی، ۱۳۸۴).

ح - پاسخ به جرایم زیست محیطی در حقوق ایران

بدون تردید موضوع محیط زیست یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی جهان است، بنابراین باید حمایت از آن را نیز در یک گستره فراگیرتر از حمایت جزایی مطرح نظر قرار داد و این امر سبب می‌شود که اولاً: از «سیاست جنایی» به جای «سیاست کیفری» استفاده شود و ثانیاً: از «پاسخ» که دارای مفهومی گسترده‌تر از «واکنش» است، بهره جست. زیرا بنابر تعریف نوینی که پروفیسور «دلماس مارتی» از سیاست جنایی ارائه کرده است، سیاست جنایی شامل «کلیه شیوه‌ها اعم از کیفری (سرکوبگری کیفری) و غیرکیفری می‌شود که هیأت جامعه با توسل به آن‌ها، به پدیده مجرمانه پاسخ می‌دهد.»

هم‌چنین، وی معتقد است که استفاده از واژه پاسخ به جای واکنش به معنای آن است که سیاست جنایی هم پیش از وقوع جرم (برای پیشگیری) و هم پس از آن (برای سرکوبی) وارد عمل می‌شود و این پاسخ علیه جرم نیست، بلکه علیه پدیده مجرمانه است که شامل دو پدیده «جرم» (پدیده کیفری) و انحراف (پدیده جامعه‌شناختی است) (قاسمی، ۱۳۸۴).

به این ترتیب اگر از سیاست جنایی در راستای حمایت از محیط زیست استفاده شود، اولاً تمامی اشکال گوناگون آلودگی محیط زیست اعم از آن که در زمره جرایم زیست محیطی وارد شده باشد و یا خیر مورد توجه قرار خواهد گرفت و ثانیاً: دربرگیرنده تدابیر پیشگیری نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، حمایت از محیط زیست به معنای ارائه واکنش کیفری در برابر جرایم زیست محیطی نخواهد بود، بلکه باید با بهره‌مندی از تمامی ابزارها و شیوه‌ها حتی غیرکیفری، و در همه حالات، یعنی قبل و یا پس از بروز تخریب، به حمایت از محیط زیست پرداخت. پس اگر حمایت همه‌جانبه و مطلوب موردنظر باشد، به کارگیری این سیاست به مراتب بهتر از اعمال سیاست کیفری است (قاسمی، ۱۳۸۴).

۱. انواع پاسخ‌های کیفری در حقوق ایران: آنگاه که پاسخ‌های حمایتی پیشگیرانه توفیقی در جلوگیری از وقوع جرایم زیست‌محیطی پیدا نکردند و محیط زیست با آلودگی و تخریب رو به رو شد. یعنی جرایم زیست‌محیطی واقع شدند، ناگزیر و به ناچار باید به حمایت کیفری از محیط زیست برخاست و نسبت به ارائه پاسخ‌های کیفری مؤثر اقدام کرد. اکنون موضوعی که باید مورد بررسی قرار گیرد آن است، چه نوع پاسخ‌های کیفری به منظور حمایت از محیط زیست تعیین و مقرر شده است؟ آیا این پاسخ‌ها مناسب و مؤثر است؟ آیا می‌تواند مانعی برای وقوع جرایم زیست‌محیطی باشد؟ آیا میزان و چگونگی این پاسخ‌ها مطلوب است و یا نیازمند تغییر و دگرگونی است؟

پاسخ‌های یاد شده گاهی به شکل جداگانه مورد توجه قرار گرفته است مانند حبس، جزای نقدی و تبعید و گاهی ترکیبی از چند پاسخ، مورد توجه قرار گرفته است، مانند حبس و جزای نقدی، حبس جزای نقدی و ضبط مال و جزای نقدی و مصادره اموال، و در مواردی نیز اجرای یکی از دو یا چند پاسخ یاد شده مقرر شده است مانند حبس یا تبعید، حبس یا شلاق و حبس یا جزای نقدی.

هم‌چنین، از آنجا که اعمال این پاسخ‌ها برعهده دادگاه‌های صلاحیت‌دار دادگستری است، بنابراین همراه با پاسخ‌ها، کیفیت و نحوه استفاده برخی از پاسخ‌ها در مراجع یاد شده را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد^۲ (قاسمی، ۱۳۸۴).

۱-۱- حبس: اصولاً حبس را به عنوان یکی از مؤثرترین ابزار دفاع جامعه در برابر بزه‌کاران نام برده‌اند و همواره جوامع گوناگون از این پاسخ و اشکال مختلف آن استفاده کرده‌اند. اکنون نیز علی‌رغم آن که بر این پاسخ ایراداتی وارد کرده‌اند، با این حال بیشتر کشورهای جهان مانند ایران، از این پاسخ در زندان‌ها کیفری خود استفاده می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۴).

بر مبنای ضوابط و مقررات قانونی مربوط به جرایم زیست‌محیطی، حبس را می‌توان مهم‌ترین و گسترده‌ترین پاسخ کیفری به این جرایم دانست، زیرا در بیشتر قوانین و مقررات زیست‌محیطی چه به شکل جداگانه و چه همراه با پاسخ‌های دیگر، از آن نام برده شده است و موارد زیادی از صدمات آلودگی‌های زیست‌محیطی به وسیله آن پاسخ داده شده است. یکی از پاسخ‌های کیفری به جرایم زیست‌محیطی که در احکام صادره از سوی محاکم مورد استفاده قرار گرفته است، حبس است. برخلاف آن که در قوانین و مقررات زیست‌محیطی از این پاسخ بسیار استفاده شده، در احکام دادگاه‌ها کمتر مورد توجه واقع شده است. در پاره‌ای از آرایه‌ای که صادر شده، حبس که پاسخ اصلی جرم زیست‌محیطی مقرر بوده است جای خود را به جزای نقدی داده است.

این موضوع نشانگر آن است که دادگاه‌ها تمایل زیادی به اعمال این پاسخ ندارند، در حالی که حمایت گسترده و مؤثر از محیط زیست به‌ویژه در شرایط خاص ایجاب می‌کند که گاهی از اوقات در برابر جرم زیست‌محیطی واقع شده پاسخ شدیدی مانند حبس مورد استفاده قرار گیرد، هرچند در بسیاری از موارد پاسخ کیفری سالب آزادی مناسب و مطلوب نخواهد بود.

بنابر بر یک نظر، ایرادی که می‌توان در این‌باره مطرح کرد این است که میزان ضرر و زیان وارده نشان‌دهنده عمق و گستردگی زیان‌هایی است که بر محیط زیست وارد شده است، با این وجود دادگاه رسیدگی‌کننده از اعمال پاسخ کیفری مناسب خودداری کرده است و حبس کمتر از حداقل مدت مقرر در ماده ۱۲ قانون شکار و صید را که سه ماه است. تعیین کرده است بنابراین، اگر پاسخ کیفری حبس را پاسخ مناسبی بدانیم در این صورت باید بگوییم که واکنش مرجع قضایی در این‌باره نامطلوب بوده است و نشانگر بی‌اطلاعی یا بی‌توجهی دادگاه مذکور در زمینه محیط زیست و لزوم حمایت دقیق و فراگیر از آن است. نکته‌ای

که در این جا وجود دارد و نیازمند توضیح است آن است که چون ضرر و زیان پاسخ کیفری نیست، از این رو در بررسی انواع پاسخ‌های کیفری مورد توجه قرار نگرفت. اما به دلیل آن که در رای دادگاه و همراه با پاسخ کیفری به این موضوع نیز توجه شده است، بنابراین در این قسمت به این نکته نیز اشاره شده است.

اصل فردی کردن مجازات (پاسخ کیفری) و نیز رعایت تناسب جرم و مجازات از سوی دادگاه موضوعات مهمی است که ظاهراً مورد توجه دادگاه قرار نگرفته است که دلیل عمده آن استفاده نکردن از کیفرهای جانشین و مانند آن و نیز نوع پاسخ مورد حکم و میزان آن است (قاسمی، ۱۳۸۴).

۱-۲- جزای نقدی: از جمله پاسخ‌های دیگری که در زرادخانه کیفری کشورهای گوناگون جهان و نیز ایران یافت می‌شود، جزای نقدی یا جریمه است که درباره آن مطالب گوناگونی بیان شده است و در بیشتر موارد این پاسخ را بهتر و سودمندتر از پاسخ کیفری حبس دانسته‌اند.

برطبق ماده ۳۲ قانون مورد بحث، کسانی که موجب آلودگی ناشی از منابع متفرقه و خانگی و نیز آلودگی صوتی را فراهم می‌کنند به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال... محکوم خواهند شد.^۳

۱-۳- حبس و جزای نقدی: یکی دیگر از انواع پاسخ‌ها به جرایم زیست‌محیطی، پاسخی است که مرکب از حبس و جزای نقدی است.

در بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید آمده است: «شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض انقراض از قبیل جبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح (کوروکودیل) هوبره و میش مرغ به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم می‌شود».

۱-۴- جزای نقدی و مصادره: پاسخ جزای نقدی و مصادره ابزار و وسایلی که برای ارتکاب جرم زیست‌محیطی از آنها استفاده شده است، و نیز آنچه که در نتیجه صید غیرمجاز به دست آمده است، موضوعی است که قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران به آن توجه کرده است. در بند ج ماده ۲۲ این قانون عنوان شده است که شرکت سهامی شیلات ایران می‌تواند صیادانی را که مرتکب جرم و یا جرایم مذکور در این بند شده‌اند را به دادگاه معرفی کند. دادگاه صالح نیز با در نظر گرفتن مراتب و درجات جرم ارتكابی، شخص را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و نیز مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم خواهد کرد.

بنابراین، برای پاسخ به این جرم زیست‌محیطی از دو مجازات مالی استفاده شده است جزای نقدی و مصادره. میزان جزای نقدی که درباره این جرم زیست‌محیطی تعیین شده است در مقایسه با بسیاری دیگر از جرایم زیست‌محیطی، شدیدتر است. اما اگر معتقد باشیم که این امر برای آن است که باید از محیط زیست به شکل مفید و مؤثر حمایت کرد، آنگاه می‌توان گفت که جزای نقدی مزبور پاسخ مناسبی خواهد بود و اشکال بر جزاهای نقدی تعیین شده‌ای وارد است که از میزان اندک و ناکافی برخوردار هستند.

درحالی‌که این اندیشه نادرست است که هر قدر بر میزان جزای نقدی افزوده شود احتمال اثر بخشی آن نیز بیشتر خواهد شد، بلکه اگر همین جریمه نقدی به شکل نسبی تعیین می‌شد به مراتب بهتر بود. هم‌چنین مقنن می‌توانست از لغو پروانه و پاسخ‌های مشابه دیگر استفاده کند.

تعیین پاسخ مصادره (خاص)^۴ در کنار پاسخ جزای نقدی می‌تواند نقش حمایتی و پیشگیرانه مفیدی را ارائه کند (شامبیاتی ۱۳۷۱). زیرا اگر برای پاسخ به این جرم زیست‌محیطی، تنها از جزای نقدی استفاده می‌شد، سود احتمالی ناشی از ارتکاب

این جرم سبب می‌شد تا اشخاص از دست زدن به این جرم صرف‌نظر نکنند، اما مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلاتی که برای صید غیرمجاز از آنها بهره‌برداری شده است، موجب می‌شود. که از علاقه‌مندی اشخاص به ارتکاب این جرم کاسته شود. به این ترتیب اگر نتوان مصادره را به تنهایی پاسخ مناسبی برای این‌گونه جرایم دانست و برای حمایت بیشتر و کامل‌تر از محیط زیست، معتقد به استفاده از پاسخ مکمل باشیم، این پاسخ می‌تواند جریمه نقدی نسبی (در صورت لزوم)، لغو پروانه و یا انجام خدمات عمومی و مانند آن باشد.

۵-۱- جزای نقدی و ضبط عین مال: هرچند که ضبط عین مال و مصادره خاص مورد بحث از نظر ماهیت و اثر یکی هستند، اما از آن‌جا که در قوانین و حقوق کیفری به‌صورت جداگانه مطرح شده‌اند در این‌جا نیز جدای از یکدیگر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

به منظور حمایت از محیط زیست در برابر جرم زیست‌محیطی صید غیرمجاز ماهی‌ها و دیگر آبزیان، پاسخ جزای نقدی و ضبط عین مال (که همان مصادره خاص است) مورد توجه واقع شده است. در ماده ۱ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر، مرداب‌ها، خلیج‌ها، مصب‌ها و رودخانه‌های مربوط به این دریا که بدون داشتن پروانه انجام شود، مرتکب در مرتبه اول به ضبط عین مال به سود شرکت سهامی شیلات ایران و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر ارزش مال کشف شده محکوم خواهد شد.

مقنن در این بخش از وضع مقررات حمایتی درباره محیط زیست، از جریمه نسبی و ضبط مال بهره گرفته است. جریمه نسبی مقرر جریمه پویایی است که همراه با افزوده شدن بر میزان ارزش مال کشف شده، بر میزان این جریمه نیز اضافه خواهد شد. ضبط عین مال نیز پاسخی است که می‌تواند مناسب بودن پاسخ اول برای حمایت از محیط زیست در برابر جرم زیست‌محیطی یاد شده را تقویت

و تکمیل کند. به این ترتیب، هرچند نباید جایگزین کردن پاسخ‌های مناسب دیگر به جای پاسخ جریمه نقدی را نیز از نظر دور داشت، با این حال می‌توان این پاسخ که برای نخستین مرتبه ارتکاب این جرم زیست‌محیطی تعیین شده است را پاسخ مناسبی دانست، زیرا در صورت تکرار، پاسخ کیفری حبس نیز بر جزای نقدی و ضبط عین مال افزوده خواهد شد و شدت خاصی به این پاسخ کیفری خواهد داد که قابل تأمل است، چون به سختی می‌توان چنین پاسخی را حتی در صورت تکرار جرم زیست‌محیطی توجیه کرد.

موضوع تکرار جرم نکته درخور توجهی است، زیرا همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این بخش از جرایم زیست‌محیطی در این زمینه از قواعد خاص خود تبعیت می‌کنند، یعنی از عموماً ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی برای تشدید پاسخ بهره نمی‌برند و تشدید شدن پاسخ از طریق افزوده شدن پاسخ دیگر (حبس) بر پاسخ‌های مقرر صورت عملی به خود می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۴).

۱-۶- جزای نقدی و مصادره و تعطیلی موقت: به موجب بند ب ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که شخص یا اشخاصی مرتکب صید بدون پروانه یا انتقال غیرمجاز محصولات صیادی از یک شناور به شناور غیرمجاز یا عرضه و انتقال بدون پروانه آبیان یا فروش آلات و ادوات صیادی غیرمجاز یا ایجاد آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و سایر مواد آلاینده که باعث ورود زیان به منابع آبی است شوند، به پرداخت جریمه نسبی تا سه برابر ارزش محصول (در مورد صید، انتقال، عرضه و فروش آلات صیادی غیرمجاز) و یا پرداخت جریمه ثابت از یک تا پنج میلیون ریال (برای سایر موارد) و نیز مصادره محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آنها، همچنین آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد به کار رفته در ارتکاب این جرایم محکوم خواهد شد. به‌علاوه دادگاه می‌تواند

واحد آلاینده را نیز تا برطرف شدن نقصی که موجب آلودگی محیط زیست شده است از ادامه فعالیت خود بازدارد.

در این بند سه پاسخ جریمه (به دو شکل نسبی و ثابت)، مصادره اموال و آلات و ادوات و تعطیلی واحد آلاینده مورد توجه قرار گرفته است که در مجموع می‌تواند پاسخ مناسبی را در جهت حمایت از محیط زیست طبیعی در برابر جرایم زیست‌محیطی مربوط ارائه نماید.

البته منظور این نیست که اگر مقنن بر شدت پاسخ‌ها بیافزاید و یا درباره یک جرم زیست‌محیطی از پاسخ کیفی بیشتری استفاده کند، اقدام مفیدی را انجام داده است و برعکس، اگر از شدت آنها بکاهد و یا از پاسخ‌های کمتری بهره ببرد، مرتکب عمل نادرستی شده است، بلکه آن‌جا که نوع جرم زیست‌محیطی به گونه‌ای است که باید جدای از پاسخ جریمه نقدی و مانند آن، از پاسخ‌هایی استفاده کند که احتمال اثرگذاری آن‌ها بر مباشر یا مرتکبین جرم و یا سایرین بیشتر است و هدف دفاع از محیط زیست در برابر رفتارهایی آلاینده و زیان زننده را بهتر تحقق می‌بخشد، از آن غلفت نکند و پاسخ‌هایی مانند سالب آزادی را مقرر نکند که احتمال سودمندی آن برای حمایت از محیط زیست و بهسازی آن اندک باشد و یا حتی امکان ورود زیان از این ناحیه نیز وجود داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۴).

بنابراین، مصادره ابزار و آلاتی که برای ارتکاب جرم مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و یا ضبط محصول و نتایج جرایم زیست‌محیطی ارتکابی و یا تعطیلی موقت و بستن کارگاه و سایر مراکزی که با فعالیت خود محیط زیست را تخریب و آلوده می‌کنند. و نیز به کار گرفتن مجرمین (برحسب مورد جرم) در انجام خدمات عمومی که به سود محیط زیست است، می‌تواند پاسخ‌های مؤثر و مناسب برای این‌گونه جرایم باشد. از این‌رو اقدام قانونگذار در تعیین پاسخ‌های جریمه صادره و تعطیلی موقت، با توجه به نکات بالا می‌تواند قابل توجه باشد نه از آن

جهت که این چند پاسخ را مقرر کرده است، یعنی برای جهات گوناگون جرم زیست محیطی، از پاسخ‌های مختلف که می‌توانند در مرتکب جرم اثرگذار باشند، استفاده کرده است.

۱-۷- حبس یا جزای نقدی و یا هر دو: بر طبق ماده ۲ قانون حفاظت از محیط دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی، هرکس موجب آلودگی رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و دریایی سرزمینی ایران به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی، توسط کشتی‌ها، سکوها، حفاری، جزایر مصنوعی، لوله‌ها و تأسیسات و مخازن نفتی واقع در دریا و یا خشکی شود. به حبس از شش ماه تا دو سال یا پرداخت جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

حساس و گسترده بودن موضوع این موارد از جرایم زیست محیطی ایجاب می‌کند که پاسخ مقرر در این ماده اصلاح شود، زیرا اگر بنا باشد که جزای نقدی به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد، در آن صورت تعیین جزای نقدی به‌ویژه میزان حداقل آن (یکصد هزار تومان) ممکن است پاسخگوی جرم زیست محیطی آلودگی آب رودخانه‌های مرزی، آب‌های داخلی و مانند آن با نفت و یا مخلوط نفتی نباشد. بنابراین وضع جریمه نسبی هم به‌منظور رعایت مباشر جرم و هم زیان‌های وارده و به‌عبارتی تناسب جرم زیست محیطی با پاسخ آن بهتر از این جریمه ثابت خواهد بود. اگر حبس به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد. آنگاه میان مباشری که شخص حقیقی است با مباشری که شخص حقوقی است از نظر اعمال پاسخ تفاوت به وجود خواهد و در این زمینه میان آن دو عدالت رعایت نخواهد شد، زیرا درباره یکی پاسخ کیفری سالب آزادی در نظر گرفته می‌شود که پاسخ سنگینی است، درحالی که دیگری (شخص حقوقی) را اصولاً نمی‌توان به تحمل این پاسخ محکوم کرد و چه بسا که آلودگی و زیان‌هایی که شخص حقوقی برای

محیط زیست آبی به وجود آورده است. بسیار مهم‌تر و فراگیرتر از آثار جرم ارتكابی از سوی شخص حقیقی باشد.

به کار گرفتن هر دو پاسخ زندان و جریمه نقدی نیز دارای ایراداتی است که در قسمت قبل (مورد نخست پاسخ حبس یا جریمه یا هر دو) بیان شد و در این مورد نیز به نظر می‌رسد که پاسخ مناسب، جریمه نسبی است که در شرایط خاص می‌توان مواردی چون لغو پروانه، ممنوعیت از اشتغال، تعطیلی موقت و مانند آن را در کنار آن قرار داد. به عنوان نمونه، در پاسخ به جرم زیست‌محیطی مورد بحث می‌توان از جریمه نسبی و ممنوعیت از اشتغال به شغلی که آلاینده، محیط زیست است و یا تعطیلی موقت واحد آلاینده استفاده کرد (قاسمی، ۱۳۸۴).

۸-۱- حبس یا جزای نقدی: اعمال یکی از دو پاسخ حبس و یا جزای نقدی، نوع دیگری از پاسخ‌های مقرر در قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست است که در برابر جرایم زیست‌محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی از این قوانین و مقررات عبارتند از: قانون مجازات اسلامی، قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی، قانون شکار و صید لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز در دریای خزر و خلیج فارس، قانون حفاظت در برابر اشعه، قانون آب و نحوه ملی شدن آن، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و لایحه قانونی حفاظت فنی.

در مواد متعددی از قانون شکار و صید این نوع از پاسخ مورد توجه واقع شده است. برای نمونه می‌توان به ماده ۱۰ این قانون اشاره کرد. برطبق این ماده، هر کس مرتکب شکار و صید جانوران بیش از میزان مندرج در پروانه و یا خارج از محل‌های مندرج در آن شود و یا بدون داشتن پروانه نسبت به حمل، عرضه، فروش و صدور جانوران وحشی زنده و یا کشته و یا اجزای آنها اقدام کند و یا رستنی‌ها (مانند درختان) را از بین ببرد و یا در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش تجاوز و تخریب کند به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک

میلیون ریال و یا حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم می‌شود. با توجه به آن که شکار و صید غیرمجاز سبب می‌شود که حیات وحش و جانداران در معرض خطر جدی قرار گیرد و حتی ممکن است زیان‌هایی به این بخش از محیط زیست وارد شود که جبران آن دشوار باشد و یا در مواردی غیرممکن شود. اعمال این‌گونه مجازات‌ها به‌عنوان پاسخ در برابر این جرایم، نمی‌تواند مناسب باشد پرداختن مبلغ ده هزار تومان و یا بیشتر چگونه می‌تواند به‌عنوان یک پاسخ مؤثر جبران‌کننده آسیب‌های وارده بر محیط زیست طبیعی باشد. تخریب محیط زیست در اثر کشتار حیوانات با دریافت مبلغ ده هزار تومان جزای نقدی از مجرم بهبودی نمی‌یابد.

حبس که حداقل مقرر آن در این ماده یک ماه است نیز پاسخ مناسبی در برابر این جرم نخواهد بود. بنابراین همان‌گونه که در گذشته نیز گفته شد بهتر است که در نوع جریمه و نیز امکان به‌کار گرفتن یکی از این دو پاسخ، تغییرات مورد نیاز صورت پذیرد و برحسب مورد از پاسخ‌های بهتر و مفیدتر استفاده شود تا این ایرادات برطرف شود و از محیط زیست حمایت مؤثر و مناسب به عمل آید.

نتیجه

رشد و توسعه فزاینده صنعت و تکنولوژی در دهه‌های اخیر، گرچه آسایش را برای بشر در پی داشته است، لیکن حیات و زندگی انسان را با مشکل و دشواری‌هایی مواجه نموده و عواقب سوئی در پی داشته است، یکی از این آثار سوء مربوط به آلودگی و تخریب و از بین رفتن منابع آبی می‌باشد. بحران محیط زیست اینک به شکل یک مشکل جهانی و بین‌المللی درآمده و تلاش‌های گسترده‌ای از سوی کشورهای مختلف و نیز سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت مقابله با آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست صورت می‌گیرد. در کشور ما نیز هر چند به تازگی به این بحران خطرناک توجه بیشتری شده است، لیکن هنوز به صورت شایسته و جدی مورد توجه توده مردم و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی قرار نگرفته است. این تأخیر ممکن است نتایج بسیار سوء و غیرقابل جبرانی در آینده به دنبال داشته باشد.

مسائل مربوط به محیط زیست و مبارزه با آلودگی و تخریب آن و منابع آبی مانند بسیاری از موضوعات اجتماعی به دور از مسائل حقوقی نبوده و جنبه‌های گوناگون حقوقی به دنبال دارد. و از همان ابتدا و در برقراری قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از منابع آبی و نیز تعقیب و پیگرد مرتکبین جرایم علیه منابع آبی حقوق دخالت کرده و نقش بسزا دارد.

به موجب قوانین بسیاری عدم رعایت مقررات زیست‌محیطی و ایجاد آلودگی و از بین بردن منابع آبی در موارد گوناگونی جنبه مجرمانه داشته و مرتکب براساس قوانین و مقررات کیفری قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که حقوق به‌طور اعم و حقوق جزا به‌طور اخص در ارتباط با حفظ و حمایت از منابع آبی نقش بسزایی دارد.

در مورد نقش حقوق جزا در حمایت از منابع آبی در ایران تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته و در این زمینه خلأ چشم‌گیری مشهود است.

در این حوزه می‌بایست به سیاست جنایی توجه نمود. حاکمیت (دولت) و افراد خارج از حاکمیت می‌توانند بر سیاست‌های جنایی تأثیرگذار باشند. گروه نخست با تصویب قوانین و مقررات اعم از قوانین پیش‌گیرنده و قوانین سزادهنده می‌توانند در این زمینه اثربخش باشند و دسته دوم نیز با تأسیس انجمن‌های مردم نهاد و به‌طور کلی به هر طریقی که از هرگونه جرم علیه منابع آبی پیشگیری کند بر سیاست‌های جنایی تأثیرگذار باشند.

از بررسی قوانین و مقررات موجود درخصوص منابع آبی این نتیجه حاصل می‌گردد که مقنن با تعیین ضمانت اجرای کیفری سیاست جنایی مناسبی را در مورد حفاظت از منابع آبی پیش گرفته است. این که مطلقاً گفته شود سیاست جنایی ایران کاملاً در حفاظت از منابع آبی مورد تأیید و تصدیق است سخنی اغراق‌آمیز می‌باشد چرا که در بسیاری از قوانین و مقررات به علت عدم استفاده از کارشناسان محیط زیست نقایص و ایراداتی دارد. با عنایت به این که صرف مداخله دولت در حفاظت از منابع آبی و آن‌هم زمانی که جرمی محقق شود به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت منابع آبی کافی نبوده و پیشنهاد می‌گردد که مدل جامعوی و اجتماعی مثل انجمن‌های مردم نهاد در نائل شدن به سیاست‌های جنایی در مورد پیشگیری از جرایم علیه آبزیان مداخله نمایند که در این صورت سیاست جنایی پیشگیری از جرایم علیه منابع آبی آسان‌تر و در صورت وقوع بزه علیه این منابع ضمانت اجراها متناسب‌تر و بازدارندگی آنها بیشتر خواهد شد. به نظر می‌رسد که مقنن با تعیین ضمانت اجرای کیفری سیاست جنایی مناسبی را در مورد حفاظت از منابع آبی پیش گرفته است. چون این سیاست جنایی مدل آن دولتی و اقتدارگرا است و صرف مداخله دولت نیز در حفاظت از منابع آبی کافی نیست که به نظر می‌رسد مدل جامعوی و اجتماعی مثل انجمن‌های مردم نهاد «NGO»ها در نائل شدن به سیاست‌های جنایی در مورد منابع آبی مداخله نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیاست جنایی مشارکتی عبارت است از: «سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه».
۲. قوه قضائیه در اجرای سیاست‌های سال‌های اخیر خود سعی در قضا‌زدایی در همه زمینه‌ها داشته است و از این رهگذر اهتمام و سعی خود را در جلوگیری از ورود افراد به فرایند دادرسی به کار گرفته است در مورد منابع آبرزی مادامی که حفاظت و حمایت از محیط زیست و مخصوصاً منابع آبرزی به صورت یک فرهنگ در نیاید توسل به قضا‌زدایی نتیجه‌ای نخواهد داشت وضعیت موجود باعث افزایش جرایم علیه منابع آبرزی خواهد شد.
۳. مبلغ یاد شده در ماده ۳۲ اصلاحی به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال تعدیل یافته است.
۴. ضبط عین مال را می‌توان به استناد بند ۱ و نیز ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی یکی از اقدامات تأمینی مالی دانست. همچنین به‌عنوان یکی از شقوق کیفر سالب حق نیز به حساب می‌آید.
۵. «مصادره خاص عبارت از ضبط بخشی از دارایی که مؤثر در وقوع جرم بوده است، می‌باشد.
۶. تعطیلی مزبور، علاوه بر آن که یکی از مصادیق مجازات بازدارنده است، به استناد بند ۳ ماده ۱۲ و ماده ۱۵ قانون و اقدامات تأمینی یکی از موارد اقدامات تأمینی مالی نیز محسوب می‌شود.

فهرست منابع

- بحرینی، سیدحسین و نغمه میرقعی. (۱۳۷۶). آموزش عالی محیط زیست در ایران، مجله محیط‌شناسی شماره ۱۹ سال بیست و سوم.
- بکاریا، سزار. (۱۳۷۷). رساله جرایم و مجازات‌ها، تهران: میزان.
- حبیبی، محمد حسن. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر ماهیت و اصول قوانین محیط زیست بین‌الملل، مجله محیط‌شناسی.
- دلماش مارتی، مری. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، تهران: میزان.
- ریوچی، هیرانو. (۱۳۸۵). حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: مؤسسه حقوق تطبیقی شماره ۶.
- شاحیدر، عبدالکریم. (۱۳۷۲). شکار و صید در حقوق ایران، سازمان حفاظت از محیط زیست.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: پازنگ.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: گنج دانش.
- فتح‌اللهی، سید سیامک. (۱۳۷۷). سیاست جنایی مشارکتی از دیدگاه سیاست جنایی سازمان ملل متحد، تهران: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۴.
- قوام، میرعظیم. (۱۳۷۵). حمایت کیفری از محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست.

قاسمی، ناصر. (۱۳۸۴). حقوق کیفری محیط زیست، تهران: جمال الحق.
 لازرژ، کریستین. (۱۳۸۲). درآمدی به سیاست جنایی، تهران: میزان.
 ورنیه، ژاک (۱۳۷۳). محیط زیست، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

یادداشت شناسه مؤلفان

الهام حیدرزاده: فوق لیسانس حقوق محیط زیست، مدرس دانشگاه

نشانی الکترونیک: E_hedarzade@yahoo.com

سجاد مظفری زاده: فوق لیسانس حقوق کیفری، مسئول کمیته دانشجویی انجمن علمی حقوق پزشکی
 ایران و عضو پیوسته انجمن بین المللی اخلاق زیستی اسلامی

نشانی الکترونیک: S.Mozafarizade@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۵